

تهمینه میلانی:

# به هر حال من یک زنم!

زنانی رامی شناسم که باب طبع جامعه مردم سالار  
می نویسند و فیلم می سازند.

تهمینه میلانی  
پر خروش و پر روحیه،  
در جلوی فیلمش  
ایستاده است. پر شور  
و پر حرارت از فیلم خود  
دفاع می کند. آن چنان  
که اگر با فیلم هم  
متخالف باشی، به  
احترام این همه  
اشتیاق، سکوت  
می کنی.  
با او به بهانه نیمه  
پنهان به گفت و گو  
نشستیم.

● آیا در قیلمتان، نیمه پنهان قصد تحلیل اتفاقات سیاسی ایران در سالهای پس از انقلاب را داشتید، یا مسائل سیاسی و اتفاقات تاریخی آن دوران بهانه‌ای هستند، برای بازگو کردن قصه محبوبتان؟  
نمی دانم منظورتان از قصه محبوبم چیست؟! من خودم و دوستانم و هم نسلمانم را از قربانیان سالهای انقلاب و بعد از آن می دانم. سالهای زیادی است که به ایده‌ای که نهایتاً در قصه فیلم نیمه پنهان شکل خود را پیدا کرد، فکر کرده‌ام. قضاوت. قضاوت در هر شکل و هر موضوع بویژه قضاوتی که موجب پریشانی نسل من شد. نسلی که در اول انقلاب ۱۸ ساله بود یا کمی پایین یا بالا. بهر حال نسلی بود که انقلاب کرد و شهید داد. به جبهه رفت، شهید داد و آزاده شد، نسلی که تصفیه شد، به زندان رفت، اعدام شد، پناهنده شد تبعید شد و یا ناخواسته از محیط کار و دانشگاه اخراج شد و... متأسفانه حکایت نسل من یا گفته نشده و یا بخشی از آن گفته شده. حتی در مورد انقلاب و جنگ هم باور دارم که کم کاری بسیاری

● آیا نیمه پنهان یک فیلم سیاسی است؟  
سیاسی صرف نه. به اعتقاد من نیمه پنهان در تقسیم بندی سینمایی یک فیلم سیاسی - اجتماعی است با داستانی از عشق.  
● آیا می اندیشید سیاست و حضور جوانان در عرصه سیاسی به سوء تفاهم و تباهی ختم می شود؟  
نه. برای همین نیمه پنهان را ساختم تا جوانان امروز شاهد تجربیات پدر و مادران خود باشند. به اعتقاد من هر جریان سیاسی که مبنای آن بر پایه احساسات شکل بگیرد، محکوم به فناست. هیچ فرقی نمی کند که این جریان سیاسی متعلق به یک تفکر مذهبی باشد یا چپ کمونیست. احساسات صرف، دشمن منطق است و انسان را کورکورانه به سمتی که هدف گردانندگان آن جریان است، می کشاند. چیزی که در فیلم گفته می شود، نفی مبارزه یا آرمانخواهی نیست که احترام ویژه‌ای برای آن قائل است، بلکه آگاهی نسبت به آن آرمان و راه و روش رسیدن به آن است.





محمد نیک‌بین و نیکی کریمی در صحنه‌ای از نیمه پنهان

در تماشاگر، امکان کامل کردن آن را در ۱۰۰ دقیقه فیلم سینمایی داشته باشم. در واقع در هر دو فیلم به دلیل وجود راوی بخش‌هایی از وقایع نقل می‌شود که امکان نمایش آنها در زمان امروز و با توجه به شرایط سیاسی موجود بود، اگر قرار بود تمام وقایع نقل شود بعید می‌دانم که حتی امروز با وجود وقایعی چون ۲ و ۱۸ خرداد اجازه می‌یافتیم که آنها را نمایش دهیم، به همه اینها محدودیت هزینه در اجراء و غیره را نیز اضافه کنید. به‌هرحال باهوش اندکم دریافتم که زمان ۱۰۰ دقیقه برای کانسپتی که برگزیده‌ام، چنین شکل روایی را طلب می‌کند، چرا که مجبور نبودم هیچیک از وقایع زمان قصه را بدون حضور راوی به نمایش بگذارم.

● **یک جریان قوی ادبی در ایران و جهان وجود دارد که موسوم به ادبیات زنانه است، آیا موافقت سینمای تهمینه میلانی را سینمای زنانه بنامیم؟**

خب اگر این تعبیر را بکار برید پربیره نرفته‌اید، به‌هرحال من یک زنم، هر چند که زن بودن را دلیل کافی برای داشتن تفکر زنانه نمی‌دانم. زنان بسیاری در این جامعه هستند که با فیزیک زنانه و بسیار مردانه یا بهتر بگویم با ذهنیت مردسالارانه می‌نویسند و فیلم می‌سازند و به‌شدت هم مورد علاقه جامعه مردانه که مسلط بر امور هستند قرار می‌گیرند و نشویق می‌شوند. به‌اعتقاد من در مورد زنان اندیشیدن، جنسیت نمی‌شناسد. چه بسیار کارگردانان ما که مذکر بودند، اما درک درستی از جامعه مردسالار داشته‌اند و آنرا به نقد کشیده‌اند و به قول شما زنانه فکر کرده‌اند. به‌نظر من زنانه اندیشیدن در آن دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم یعنی انسانی اندیشیدن، چرا که اگر مشکلات زنان ما چه به لحاظ قانونی - سیاسی - اجتماعی - فرهنگی حل شود، مردهای مقابل ایشان نیز از لذت زندگی برخوردار خواهند بود. طبیعاً هیچ مردی با زن فرودست رابطه دوستی کاری برقرار نخواهد کرد. پس زنانه اندیشیدن در این دوران یعنی انسانی اندیشیدن.

● **هم در دو زن و هم در نیمه پنهان زن ما علی‌رغم آگاهی، هوش و استعداد اسیر سوء تفاهات، قوانین و عرف‌های حاکم بر اجتماع و تسلط مردسالارانه می‌شوند و در قهرمانان هر دو فیلم نوعی احساس تلف شدگی به چشم می‌خورد، چرا؟**

برای جواب این سوال، ابتدا باید به این سوال جواب بدهم که مردسالاری یعنی چه؟ بر این باورم که با آنکه ظاهر زندگی ما مدرن شده و اغلب مردم در آپارتمان‌های مدرن باوسائل مدرن زندگی می‌کنند، اما نوع روابط فرهنگی، اجتماعی و تربیتی و کلاً فرهنگ معنوی ما مدرن نشده است و ما بلحاظ فرهنگ معنوی از فرهنگی فئودالی برخورداریم. دلیل عمده آن این است که چون سرمایه‌داری در ایران که طبیعاً زندگی مدرن امروزی را بوجود آورده در دوره شاه به‌صورت تزریقی وارد شده و نه کلاسیک، نتوانسته فرهنگ دوره فئودالی را تغییر دهد. در اغلب موارد شما می‌بیند مرد چه پدر باشد، چه برادر، چه

وجود دارد و اینکه چرا در مورد وقایع ۲۳ سال اخیر بعد از انقلاب، بویژه سالهای انقلاب رمانی نوشته نشده، فیلمی ساخته نشده و... جای بحث بسیاری وجود دارد، انگار که نیرویی مانع از این کار شده و اگر این اتفاق در پارهای بخش‌ها به وقوع پیوسته، یا بسیار سمبولیک و روشفکرانه بوده و یا کاملاً یکسویه، آنچه که برایم مهم بود که در نیمه‌پنهان توجه جامعه را به نسلی جلب کنم که امروز حدود ۴۰ سال دارد حالا کمی بیشتر یا کمتر، نسلی که قربانی شد و کسی راجع به آنها حرف نمی‌زند. می‌خواستم به‌عنوان یکی از افراد این نسل از امکانی که داشتیم در جهت اعاده حیثیت از این نسل تلاش کنم.

● **هم در دو زن و هم در نیمه پنهان شکل روایی قوی فیلم به دیگر ویژگی‌های فیلم تسلط دارد. هر دو فیلم ساختاری رمان گونه دارند و با فلاش‌بک آغاز می‌شوند، آیا دل‌بستگی خاصی به این نوع ساختار دارید؟**  
دل‌بستگی خاصی به هیچ نوع ساختاری ندارم. هر موضوعی به اعتقاد من ساختار خودش را دارد. اگر در دو زن و نیمه پنهان با فلاش‌بک آغاز می‌شود، به‌دلیل نوع موضوع و قصه آنهاست. هر دو قصه از امروز آغاز می‌شود و برمی‌گردد به گذشته تا علت ناهنجاری امروز را دریابد. حالا بگیرم با کمی تفاوت قبول کنید که جامعه امروز ما ناهنجاری بسیاری دارد و دلیل آن به اعتقاد من اینست که قادر نیستیم به‌عنوان منتقد به گذشته نگاه کنیم و به همین دلیل مجبوریم مدام در آینده هم آن را تکرار کنیم، من به‌عنوان یک هنرمند می‌خواستم به جامعه هشدار بدهم که یکی از دلایل ناهنجاری امروز جامعه و یکی از دلایل عدم ارتباط نسل‌ها نقد نکردن گذشته است. چگونه می‌تواند نسل من فرزند صالحی تربیت کند وقتی که خودش با کینه به جامعه نگاه می‌کند. در فیلم دو زن بخشی از قصه را رویا تعریف می‌کند و بخشی دیگر را فرشته تا داستان در ذهن بیننده تکمیل شود. یعنی هم‌دردی و همدلی. در نیمه پنهان تمام قصه را فرشته تعریف می‌کند، یعنی قهرمانی که تنهاست و رویا را ندارد. در واقع علت انتخاب این شکل از روایت برای آن بود که علاوه بر ایجاد همدلی



امروز کارگردانی به نام تهمنه میلانی وجود نداشت که شما امروز با او به گفت‌وگو بنشینید و با توجه به علاقه من به سینما به جهت آنکه نمی‌توانستم به رویاهایم تحقق بخشم دچار احساس دلمردگی و تلف شدگی می‌شدم.

● **نیکی کریمی و کاراکتر سینمایی اش، بیش از دیگر بازیگران سینمای ایران معرف زن امروزین ایران است، زنی که رو به آینده پیشرفت و مدرنیسم دارد، اما پایش در حصار سنت‌ها و باورهای کهن جامعه به دام افتاده است، در انتخاب کریمی برای این فیلم، این ملاحظات و این تعاریف را در نظر داشتید؟**  
 نمی‌دانم شاید اگر خانم کریمی کتاب بعد از عشق خانم گلبو را برایم نمی‌آورد و مثلاً خود خانم گلبو پیشنهاد ساخت فیلم از کتابش را می‌داد، به خانم کریمی فکر نمی‌کردم ولی از آنجا که خانم کریمی کتاب را آورد و علاقه داشت که من فیلمنامه‌ای از آن بنویسم تا او بازی کند، بنابراین از اول پایه شخصیت را روی صورت و فیزیک و میزان قدرت بازیگری ایشان پی‌ریزی کردم.

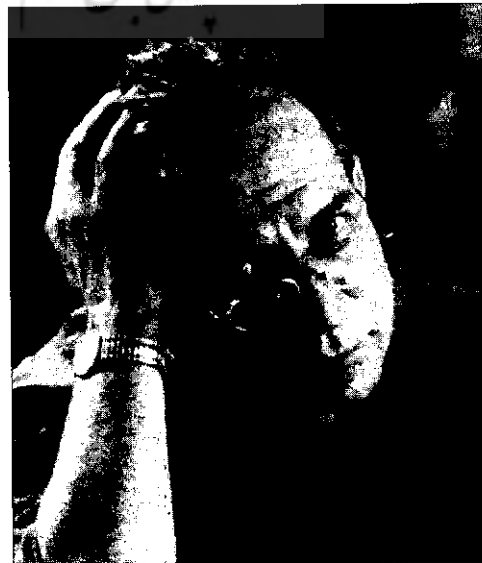
● **اگر این اتفاق نمی‌افتاد مثلاً به چه کسی فکر می‌کردید؟**

○ شاید لیلا حاتمی

● **فیلم شما واکنش‌های بسیار تنیدی را در طیفی از مطبوعات برانگیخت. درباره شدت و غلظت این حملات چه نظری دارید؟**

بله حق با شماست عده‌ای فیلم را به شدت مورد ستایش قرار دادند، عده‌ای ضمن قدردانی، معایب آن را هم برایم نوشتند و عده‌ای دیگر که تعدادشان هم کم نیست شدیداً به آن تاختند. به نظر من آن بخش از منتقدین که با فیلم همراه بودند و آن را بتوعی یک حرکت جدی در سینما و موضوعات آن دانستند، درست‌ترین نظر را دارند، چرا که حقیقتاً نیمه پنهان یک فیلم غیرمعمول و خالص است، گیرم با کمی ضعف در فضا سازی که متأثر از محدودیت هزینه یک فیلم سینمایی در ایران است. اما مخالفان فیلم دو دسته‌اند کسانی که به شدت با شخصیت رستگار هم ذات‌پنداری کردند، یعنی دوم خردادی‌های دروغین، این عده که تنها برای فرار از گذشته خود را به جنبش دوم خرداد وصل می‌کنند ولی در درون همان انسان‌های تک‌بعدی و انحصارطلب سابق هستند با فرار از واقعیت فیلم، یا فرار از واقعیت خودشان، فیلم را کوبیدند. مانند چند تن از داوران جشنواره فجر که بعد از دیدن نیمه‌پنهان به حضور این فیلم در بخش مسابقه اعتراض کرده و فیلم را توهین به خود تلقی کرده بودند. حال آنکه داوری شرايطی دارد که موضوع بحث ما نیست. عده دیگر روشنفکر نماهایی هستند که از قافله اجتماع دور مانده‌اند و هیچ حرکت مثبتی در جهت رشد و گاهی جامعه انجام نداده‌اند و بنابراین هر حرکت رویه جلویی آنها را آشفته می‌کند که من اسم آن را حسادت و تنگ نظری می‌نامم. این دسته حتی از گروه اول هم خطرناک‌تر هستند بویژه برای هنر سینما، چرا که ایشان که اغلب سنی هم از آنها گذشته، قادرند با استفاده از سواد کلاسیک و ساختن فضایی تحریک‌آمیز ذهن منتقدین جوان را تحت‌الشعاع نظر خود قرار دهند. البته خوشبختانه این جو پایدار نیست، کما اینکه در مورد دوزن پایدار نبود و بسیاری از همین منتقدین جوان بعدها برایم اعتراف کردند که با تحریکات چه کسانی مطالب گاه توهین‌آمیز علیه دوزن نوشته‌اند. بهر حال داور نهایی مردم هستند و از آنجا که با مهر فراوان برایشان فیلم می‌سازم، همواره از محبت ایشان

پسر و چه همسر، ارباب است و فرمانده. از رابطه متقابل انسانی زن و مرد که لازمه زندگی مدرن در خانواده سلولی است خبری نیست و یا کم است. بر این باورم که اصولاً در همه عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی چنین فرهنگ معنوی حاکم است و بنابراین با اینکه شخصیت‌های قصه‌های من انسان‌های باهوش، آگاه و کامل هستند نمی‌توانند با چنین فرهنگ و تفکری مقابله کنند. مثالی می‌زنم، من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که حق تحصیل، انتخاب شغل و همسر به من داده شده است، ولی در طول تحصیل در دبیرستان و دانشگاه شاهد بوده‌ام که دخترانی که به مراتب از من باهوش‌تر و بالاستعدادتر بوده‌اند، به صرف آنکه پدرشان طرز تفکری شبیه پدر من نداشته قربانی شده‌اند، پدرشان تصمیم گرفته آنها را در ۱۵ سالگی شوهر بدهد و یا بعد از گرفتن دیپلم به جای دانشگاه به کلاس خیاطی بفرستد و ... فکر می‌کنید چنین دختری با وجود علاقه به تحصیل و کار و ... چه کاری می‌توانسته بکند؟ فرار؟ مقاومت تا حد مرگ؟ یا خودکشی؟ مسلماً هیچ‌یک چاره درد نیست. تصور کنید پدر من یکی از آن پدران بود، طبیعاً



نماید اگر خانم کریمی کتاب بعد از عشق خانم گلبو را برایم نمی‌آورد و مثلاً خود خانم گلبو پیشنهاد ساخت فیلم از کتابش را می‌داد، به خانم کریمی فکر نمی‌کردم ولی از آنجا که خانم کریمی کتاب را آورد و علاقه داشت که من فیلمنامه‌ای از آن بنویسم تا او بازی کند، بنابراین از اول پایه شخصیت را روی صورت و فیزیک و میزان قدرت بازیگری ایشان پی‌ریزی کردم.

نیز برخوردارم.

● چرا آن نگاه سرخوش و دینامیک «دیگه چه خبر؟» درباره زن و دختر ایرانی به نگاه تراژیک دو زن و نیمه پنهان ختم شده است؟ در این سالها چه اتفاقاتی رخ داده که نگاه شما را این قدر عوض کرده؟ آیا برای زن ایرانی در وضعیت فعلی راه نجاتی نیست؟

موضوع فیلم دیگه چه خبر به قدری تند بود که اگر آن را به صورت جدی می ساختم می توانست با توجه به شرایط آن دوران، یعنی ۱۱ سال پیش برایم مسأله ساز باشد. یعنی نقد سنت و مدرنیسم. بنابراین آن را به صورت طنز ساختم تا از گزند زمانه در امان باشم، هر چند که فیلم ۷ ماه توقیف ماند. ولی از آنجا که در جامعه هنری ما فیلم طنز را جدی نمی گیرند، گاهی فکر می کنم ما باید آن را هم از قالب طنز به قالب جدی برمی گردانیم. از همه اینها مهمتر فرشته دیگه چه خبر بلحاظ خانوادگی از شرایط متفاوتی نسبت فرشته نیمه پنهان و دو زن برخوردار است. برادرش صمیمی ترین دوست اوست و خودش هم اعتماد به نفس و قدرت حرکت به جلو دارد و کسی هم مانع او نیست، مگر... به هر حال دو زن و نیمه پنهان در شرایط بهتری بلحاظ سیاسی ساخته شد و این امکان بوجود آمده بود تا موضوعاتی را که سالیان سال میل داشتیم آنها را بسازم ولی هر بار به دلیلی با ساخت آنها موافقت نشده بود را شروع کنم. هر دو فیلم دارای موضوعی دراماتیک است و باید به صورتی که ساخته شده ساخته می شد.

● آیا می توان شما را یک فمینیست به معنای کامل کلمه نامید؟

حقیقتاً نیمه پنهان یک فیلم غیرمعمول و خالص است، گیرم با کمی ضعف در فضا سازی که متأثر از محدودیت هزینه یک فیلم سینمایی در ایران است.

تا فمینیسم را چه بدانید؟ فمینیسم هم مثل خیلی از ایسم ها تعبیر متفاوتی در جوامع متفاوت دارد. من خودم را فمینیست می نامم چرا که می خواهم مرز فکری من با افراد دیگری که با ذهنیت مردسالارانه فیلم می سازند، روشن شود، و گر نه ما در ایران فمینیست به معنای اروپایی و آمریکایی آن نداریم. به تعبیر دیگر اگر فمینیسم به معنی تلاشی برای احقاق حقوق زنان جامعه است تا به یک تعادل اجتماعی برسیم که در آن نه زن و نه مرد هیچ یک بر دیگری مسلط نباشد، به این تعبیر فمینیستم.

● آیا به نظرتان جوش و خروش ها و مبارزات سیاسی سال ۵۷-۵۹ تا این حد پوچ و بی هدف بودند؟

نه پوچ بودند و نه بی هدف. بلکه احساساتی بودند و پر جوش و خروش. همانطور که قبلاً گفتم وقتی احساسات حاکم بر اعمال انسان شد، از منطق دور می شود. قصد من از ساختن این فیلم نمایش احساسات پاک و بی شائبه جوانانی بود که در راه آرمان خود از زندگی خصوصی چشم می پوشیدند و حتی جان خود را فدا می کردند. این فیلم نقدی دو سویه است. ناتوانی گروه های سیاسی در سازمان دادن به هوادارانشان و نقدی بر حاکمیت که چنین موجودات پاکي را به این شکل ناعادلانه قضاوت کرد.

● چرا زنان و دختران ایرانی، به خصوص تحصیلکرده ها با سینمای شما ارتباط برقرار می کنند؟ چه ویژگی خاصی در سینمای شما وجود دارد؟ شما منتقد هستید، شما به من بگویید چرا.

# مرکز آموزشی پایتخت

## Training Software



تنها مرکز ارائه کننده CD های آموزشی در ایران

نماینده رسمی شرکت هادی سیستم

Payetakhth Center Training

نیش میرداماد - روبروی اسکان - مجتمع کامپیوتر پایتخت

طبقه اول - واحد ۱۶۹

Telefax : 8772852 Tel : 8772853